

## آراء وحدت رویه

### دیوان عالی کشور



محاکم حقوقی یک بوده و در قضیه مانحن فیه دادنامه شماره ۱۴۸۴-۷۳/۱۰/۱۱ از شعبه ۶ دادگاه حقوقی ۲ کرج صادر گردیده است لذا در اجرای رأی وحدت رویه شماره ۵۹۶-۷۳/۱۲/۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور پرونده به شعبه مربوط (جانشین) ارسال تا وفق قانون اقدام نمایند با وصول پرونده به دادگستری کرج شعبه سوم دادگاه عمومی به موضوع رسیدگی و با این استدلال که: «...استناد شعبه ششم دادگاه تجدید نظر استان تهران به رأی وحدت رویه شماره ۵۹۶ مورخ ۷۳/۱۲/۹ در صدور قرار عدم صلاحیت، صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا که رأی مذکور منصوص العله است و به همین علت قیاس آن با مورد دیگر فقط در صورتی ممکن است که علت منصوصه وجود داشته باشد به عبارت دیگر هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی مذکور علت صلاحیت دادگاه عمومی را حکم ماده ۴۶ آئین دادرسی مدنی ذکر کرده است که مقرر می‌دارد مناط صلاحیت تاریخ تقدیم دادخواست است یعنی دادگاه نمی‌تواند بعد از تقدیم دادخواست و استقرار صلاحیتش به علت تغییر قانونی اعلام عدم صلاحیت کند و نکته اصلی حکم هم همین

## مرجع صالح به منظور حل اختلاف بین دادگاه عمومی و دادگاه تجدید نظر استان کجاست؟

حقوقی ۲ کرج نموده و تقاضای رسیدگی و صدور حکم به مورد خواسته را به علت عدم پرداخت اجاره بهاء می‌نماید. پرونده در شعبه ۶ دادگاه حقوقی ۲ کرج مطرح پس از جری تشریفات قانونی و تعیین وقت رسیدگی و استماع اظهارات و مدافعات خواننده در تاریخ ۷۳/۱۰/۱۱ دادگاه ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به صدور حکم محکومیت خوانده به تخلیه مورد اجاره به لحاظ انقضای مدت و پرداخت اجور معوقه به شرح مندرج در رأی می‌نماید دادنامه در تاریخ ۷۳/۱۱/۲۷ به محکوم علیه ابلاغ و وی در فرجه قانونی (۷۳/۱۲/۴) تجدید نظر خواهی کرده و در تاریخ ۷۴/۲/۱۱ در شعبه ششم دادگاه تجدید نظر استان تهران مطرح و آن شعبه چنین اتخاذ تصمیم نموده است:

«نظر به اینکه حسب قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو مرجع تجدیدنظر از احکام دادگاههای حقوقی ۲

نقل از شماره ۱۴۹۳۹ - ۱۳۷۵/۳/۳۰

روزنامه رسمی

شماره ۱۸۳۵-هـ ۱۳۷۵/۲/۲۵

پرونده وحدت رویه ردیف ۴۰/۷۴ هیئت عمومی

ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عالی کشور

احتراماً به استحضار عالی می‌رساند:

شعب اول و بیستم دیوان عالی کشور در

تشخیص مرجع صالحه به منظور حل

اختلاف بین دادگاه عمومی و دادگاه تجدید

نظر استان آراء مختلف صادر و رویه های

متفاوتی اتخاذ نموده اند که ایجاب می‌نماید

برای ایجاد وحدت رویه موضوع در هیأت

عمومی مطرح شود. خلاصه پرونده‌های

مورد بحث را به شرح ذیل بعرض می‌رساند:

۱- در تاریخ ۷۳/۶/۱۴ آقای مهدی

حیدری دادخواستی به طرفیت آقای عباس

شجاعی به خواسته صدور حکم بر تخلیه

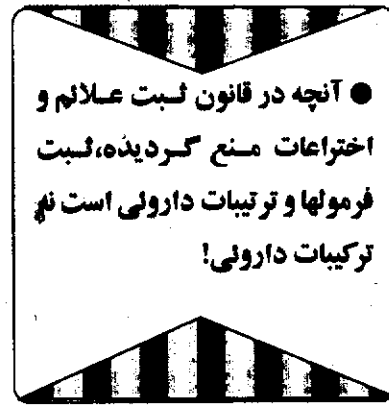
یک دستگاه ساختمان و پرداخت

۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال اجاره بهاء به استناد یک

برگ اجاره‌نامه عادی تقدیم دادگاههای

اطلاق «تاریخ تقدیم دادخواست» است هیأت عمومی در صدور رأی مذکور با قضیه‌ای مواجه بوده که با مورد این پرونده متفاوت است در قضیه مذکور دادگاه بعد از تقدیم دادخواست تجدیدنظر و استقرار صلاحیتش به علت اجرای قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب اعلام عدم صلاحیت کرده بود، که با قاعده مذکور در ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی مدنی مغایرت داشته در حالی که در پرونده حاضر دادخواست تجدید نظر هنگامی تقدیم شده که از مدتها قبل از آن دادگاههای عمومی در کرج مستقر شده بود و دادگاه صادر کننده رأی که آن هم به دادگاه عمومی تبدیل شده است نمی توانست تقاضا را مسکوت و بلا تکلیف بگذارد و یا به یکی از دادگاههای هم عرض خود بفرستد و با توجه به اینکه مقررات مربوط به تجدید نظر و صلاحیت از جمله مقررات شکلی هستند که قاعدتا قابلیت عطف به ماسبق شدن را دارند و دادگاه صادر کننده رأی قانوناً چاره‌ای جز ارسال تقاضا به دادگاه تجدیدنظر استان را نداشته است. تسری دامنه شمول رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور به مورد حاضر متضمن این معنی است که معتقد باشیم مناط صلاحیت تاریخ به وجود آمدن حق طرح دعوی می باشد نه تاریخ تقدیم دادخواست و این اعتقاد هم با قاعده مذکور در ماده ۴۶ آیین دادرسی مدنی مغایر است و هم با قاعده معطوف به ماسبق شدن قوانین شکلی تعارض دارد... لذا با توجه به تاریخ تقاضای تجدیدنظر، دادگاه تجدید نظر استان تهران را صالح به رسیدگی دانسته و قرار عدم صلاحیت خود را صادر و به لحاظ حصول اختلاف پرونده را جهت رفع اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال می دارد که پرونده جهت رسیدگی به شعبه اول دیوان عالی کشور ارجاع شده و هیأت شعبه در تاریخ

۷۴/۳/۲۹ به شرح دادنامه شماره ۷۴/۱۲۸/۷۴



چنین رأی داده است:

«مسئله مختلف فیه منصرف از رأی وحدت رویه شماره ۷۳/۱۲/۹-۵۹۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور است چه در تاریخ تقدیم دادخواست تجدیدنظر خواهی مرجع تجدید نظر از آراء دادگاههای حقوقی ۲ (دادگاههای حقوقی یک) منحل و طبق ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در مرکز هر استان دادگاه تجدیدنظر تشکیل و دادخواست تجدیدنظر خواهی نیز تقدیم دادگاه تجدید نظر استان گردیده است لذا با تأیید نظر شعبه سوم دادگاه عمومی کرج حل اختلاف و ب افسخ قرار عدم صلاحیت صادره از شعبه ۶ دادگاه تجدیدنظر استان پرونده جهت طرح در دادگاه تجدید نظر استان اعاده می شود.»

۲- حسب مفاد گزارش شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور طبق دادنامه شماره ۲۰/۵۴۱

آقای قربان اخباری با اتهام فروش مال غیر تحت تعقیب قرار گرفته و شعبه ۲۰ دادگاه کیفری ۲ کرج نامبرده را از اتهام وارده تبرئه کرده و پرونده به شعبه ۱۲ دادگاه عمومی کرج ارجاع گردیده و این دادگاه به اعتبار صلاحیت دادگاه تجدید نظر استان قرار عدم صلاحیت صادر کرده است. دادگاه تجدید نظر استان نیز دادگاه عمومی را صالح تشخیص داده و پرونده جهت حل اختلاف به

دیوان عالی کشور ارسال و به این شعبه ارجاع گردیده و شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور چنین رأی داده است:

«نظر به اینکه موضوع مورد اختلاف از موارد قابل تطبیق با رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۵۹۶-۷۳/۱۲/۹ نیست و اختلاف در صلاحیت بین دادگاه عمومی و تجدیدنظر استان نیز قابل طرح نمی باشد پرونده جهت اقدام مقتضی اعاده می شود.»

با توجه به مراتب فوق نظر به اینکه: شعب اول بیستم دیوان عالی کشور در تشخیص مرجع صلاحیت دار و اختلاف بین دادگاه عمومی و تجدیدنظر استان رویه‌های مختلفی اتخاذ نموده‌اند بدین توضیح که شعبه اول دیوان عالی کشور به موضوع اختلاف رسیدگی و با صدور رأی حل اختلاف نموده و شعبه بیستم دیوان عالی کشور حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاه عمومی و تجدید نظر استان را قابل طرح در دیوان عالی کشور ندانسته و پرونده را اعاده نموده است. موضوع از مصادیق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ می باشد طرح آن در هیأت عمومی دیوان عالی کشور جهت اتخاذ رویه واحد قضایی مورد استدعاست.

معاون اول قضایی دیوان عالی کشور

حسینعلی نیری

به تاریخ روز سه شنبه ۱۳۷۵/۱/۱۴

جلسه وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت اله محمد محمدی گیلانی رئیس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای مهدی ادیب‌رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان روسا و مستشاران شعب کیفری و حقوقی دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و

بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور مبنی بر: «چون به موجب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب دادگاههای عمومی و تجدیدنظر مرکز استان تشکیل گردیده است و برابر این قانون، دادگاههای عمومی در عرض یکدیگر قرار گرفته اند، لذا مرجع تجدیدنظر از رأی دادگاه حقوقی ۲ دادگاه تجدیدنظر مرکز استان خواهد بود زیرا با اجرای قانون مذکور، دادگاه حقوقی یک که مرجع تجدیدنظر این نوع آراء بوده منحل گردیده است مضافاً به اینکه دادخواست تجدیدنظر هم به دادگاه تجدید نظر مرکز استان تقدیم گردیده است بنابراین مرجع رسیدگی از رأی صادره دادگاه تجدیدنظر مرکز استان خواهد بود علیهذا رأی شعبه اول دیوان عالی کشور که بر این اساس صادر شده موجه بوده معتقد به تأیید آن می‌باشم.» مشاوره نموده و اکثریت قریب به اتفاق بدین شرح رأی داده‌اند:

**رأی وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور (شماره ۶۰۵-۱۳۷۵/۱/۱۳)**

نظر به مدلول مادتين ۳ و ۴ قانون آئین دادرسی مدنی و عموماً قانونی و اینکه اساساً اختلاف بین دادگاهها در امر صلاحیت در مرجع قضایی عالی تر مطرح و حل اختلاف می‌گردد و ماده ۳۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب براین اساس ناظر به اختلاف دادگاه عمومی واقع در حوزه قضایی یک استان است و در مسئله مختلف فیه دادگاه تجدید نظر استان و دادگاه عمومی هر دو از خود نفی صلاحیت کرده‌اند. لذا رأی شعبه اول دیوان عالی کشور در این حد که مشعر بر قابل طرح بودن مورد اختلاف در دیوان عالی کشور می‌باشد منطبق با موازین قانونی تشخیص و مورد تأیید می‌باشد این رأی به موجب ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی

مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

**آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور**

نقل از شماره ۱۵۲۳۳-۱۳۷۶/۳/۳۱

**روزنامه رسمی**

شماره ۱۸۹۹-هـ- ۱۳۷۶/۳/۳

پرونده وحدت رویه ردیف: ۳۷/۷۵

**هیات عالی کشور**

**ریاست محترم هیات عمومی دیوان عالی کشور**

احتراماً معروض می‌دارد در مورد بند ۳ ماده ۲۸ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ توسط شعب اول و سوم دیوان عالی کشور رویه های مختلفی اتخاذ گردیده که ایجاب می‌نماید موضوع از نظر ایجاد رویه واحد قضایی در هیات عمومی دیوان عالی کشور مطرح شود. خلاصه جریان پرونده ها به شرح زیر است:

۱- به حکایت پرونده شماره ۱۱-۸۲۷۴-

۱ شعبه اول دیوان عالی کشور آقای سیروس پویان به وکالت از شرکت اکتیو لازت هاسل دعویایی به طرفیت اداره مالکیت صنعتی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به خواسته الزام اداهر خواننده به ثبت اختراع (طریقه تهیه مواد ترکیبات دارویی جدید جهت استفاده دهانی) و (طریقه تهیه ترکیب فرمول دارویی و مواد متغیر اسیدی جهت استفاده از راه دهان) در دادگاه حقوقی یک تهران مطرح نموده، مبنی بر اینکه موکل وی با استفاده از امتیاز حق تقدم مندرج در بند ج یک ماده ۴ قرارداد اتحادیه عمومی بین المللی معروف به پاریس که در اسفند ماه ۱۳۷۷ به تصویب مجلس رسیده با تقدیم دو فقره اظهار نامه تقاضای ثبت اختراع نموده که اداره خواننده اقدام به رد اظهار نامه تقاضای ثبت اختراع کرده است. لذا به استناد ماده ۴۸ آیین نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۷۷- رسیدگی

## قانون

به زبان ساده

؟

• **توسیع به اسناد از قبیل شعباتی**  
 و استعمال الفاظ رنگین و ننگینه موجب هدفان نباید به مجازات شلاق ۷۴۱۵  
 سریه و پانجمه هزارتک مینویس روز  
 جزای نقدی خواهد بود. (مستاده ۶۰۸  
 قانون مجازات اسلامی)

• **قانون تعهدت دادن زنا و الزام است**  
 به شخص دیگری. (ماده ۱۳۹ ق.م.ا)  
 حد قذف برای قذف کننده مرد یا زن  
 هفتاد تا زنه است. (ماده ۱۴۰ ق.م.ا)

• **مبند معتاد برای پرداخت نهاره**  
 به امتیاز ده روز پس از تاریخ سررسید  
 هرگزند خواهد بود مگر آن که طرفین  
 بتاریخ دیگری توافق براین صورت  
 توافق کرده باشند که در این صورت  
 کرایه مذکور باید در بند پذیرد.  
 (بند ۴ ماده ۱۱ قانون مالک و مستاجر)

• **هر شخصی که بدون اسرار مجوز**  
 قانونی فرماندهی قسمتی را به عهده  
 گیرد یا برخلاف امر عا فوق فرماندهی  
 قسمتی را ادامه دهد به حبس از دو  
 تا ده سال محکوم و پانجمه مرتکب  
 جرائم دیگری گردد به مجازاتهای آن  
 جرائم نیز محکوم خواهد شد. (ماده ۲۹  
 قانون مجازات مرتکب پرواهای مسلح)

و صدور حکم بر ابطال تصمیم مذکور و الزام اداره خواننده به صدور ورقه اختراع را تقاضای کرده است. شعبه اول دادگاه حقوقی یک تهران به شرح دادنامه شماره ۱۲۳۷-۷۲/۱۱/۲۸ چنین رأی داده است:

(... دادگاه در ماهیت نظر به تخصصی بودن قضیه و به منظور کشف حقیقت و صحت و سقم اظهارات طرفین قرار ارجاع امر به کارشناس ثبت علائم و اختراعات صادر آقای کارشناس بشرح نظریه مورخه ۷۲/۱۰/۲۵ که در ملخص آن چنین آمده: «اولاً» عبارت ترتیبات دارویی صحیح است و ترکیبات دارویی اشتباهات در بعضی از مجلات مجموعه قوانین ثبتی درج گردیده. ثانیاً» مقنن از تصریح حکم مذکور مقصود خاص را ملحوظ نظر داشته و از نظر لغوی ترکیبات و ترتیبات مختلف المعنی بوده و با توجه به مفاهیم فوق‌الاشعار و تطبیق مفهوم هر یک از دو لغت با مدلول ماده ۲۷ قانون ثبت علائم و اختراعات به نظر می‌رسد که ترتیبات دارویی از درهم آمیختن مواد و محلولهای ساخته شده بدست می‌آید و متضمن نوآوری نیست و نمی‌تواند از زمره اختراعات تلقی گردد و به همین جهت ممنوعیت مندرج در شق ۳ ماده ۲۸ قانون ثبت علائم به داورسازان تجریبی که فاقد فرهنگ و دانش داروسازی می‌باشند تسری دارد و این ممنوعیت برحسب تعریف اختراع موضوع ماده ۲۷ قانون یاد شده موجه و منطقی به نظر می‌رسد و مقنن با تصویب بند ۲ ماده ۲۸ مبادرت به حمایت از محقق واقعی از غیر واقعی نموده و با تحقیقات به عمل آمده رویه اداره خواننده از بدو امر تا طرح دعوی حاضر مسئولین اجرای ثبت علائم و اختراعات از تعبیر و تفسیر مشروحه فسوق تبعیت نموده همواره اختراعات دارویی را به ثبت رسانده اند خاصه اینکه در تمام کشورهای مترقی دنیا به ویژه

کشورهای عضو اتحادیه قرارداد پاریس نتایج تراوشات فکری مخترعین دارویی مورد تقدیر و سپاس قرار گرفته لذا عدم ثبت اختراعات دارویی در ایران و قبول ثبت آن در خارج اولاً» غیر منطقی ثانیاً» منافی آن است که دولت ایران مخترع دارویی سرطان یا ایدز که هر دو از بیماریهای خانمانسوز و دشمن سلامت به شمار می‌روند ارج و قربی قابل نگردد و همچنین زمینه سرقت تراوشات فکری و زحمات محققین و دانشمندان در ایران فراهم می‌گردد) دادگاه با پذیرش نظریه کارشناس بساین شرح که (نظریه آقای کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم قضیه موافقت داشته و مبتنی بر مبانی عملی و عقلی و منطقی می‌باشد و قطع نظر از موارد معروضه و نادیده انگاشتن مفهوم و منطوق عبارت ترتیبات دارویی به فرض که ترتیبات دارویی همان ترکیبات دارویی تلقی گردد نظر به اینکه به دلالت اظهارات نماینده حقوقی سازمان ثبت و اظهار نظر کارشناس از بدو تأسیس در اداره مالکیت صنعتی تاکنون بند سوم ماده ۲۸ قانون ثبت علائم و اختراعات جامه عمل به خود نهوشیده و در طول ۶۰ سال حیات سازمان بند مذکور بدون اجراء در بینه اجمال و متروک باقیمانده است و رویه متدوال و مستمر کارمندان و مسئولین آن اداره در قبول درخواستهای ثبت اختراعات ترکیبات دارویی در طول سالهای گذشته آنچنان عادتت را بین آنان ایجاد نموده که جنبه اجباری به خود گرفته و به صورت عرفی پایدار و عمومی در بین حقوقدانان درآمده و همه آن را به دیده احترام می‌نگرند و در نهایت به عنوان یک قاعده الزام آور مرسوم شده و این عملکرد در عرف جاری باعث متروک شدن بند سوم ماده ۲۸ قانون یاد شده گردیده و عملاً آن را نسخ ضمنی نموده است، بنا به مراتب فوق‌الاشعار دادگاه

عمومی خواهان را موجه تشخیص مستنداً به ماده ۷ قانون مارالذکر حکم بر ابطال تصمیم اداره خواننده به شماره اخطاریه شماره ۱۲۲۲-۷۲/۷/۵-۱۲۲۳-۷۲/۷/۵ و الزام نامبرده به ثبت و صدور ورقه اختراع موضوع اظهار نامه شماره ۲۹۸۵۶-۷۲/۵/۲۲ و ۲۹۸۵۸-۷۲/۵/۲۷ خسواهان صادر و اعلام می‌دارد. با تجدیدنظر خواهی اداره مالکیت صنعتی سازمان ثبت اسناد و املاک و طرح آن در شعبه در شعبه اول دیوان عالی کشور شعبه مذکور طی دادنامه شماره ۷۴/۱/۲۶۰-۷۴/۸/۳۰ چنین رأی داده است:

«از ناحیه تجدید نظر خواه ایراد و اعتراض مؤثری که مستلزم نقض دادنامه تجدید نظر خواسته و منطبق با ماده ۱۰ تجدید نظر آراء دادگاهها باشد به عمل نیامده است و قطع نظر از استدلال اخیر دادگاه بند ۳ ماده ۲۸ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ ناظر به فرمولها و ترتیبات دوایی است نه ترکیبات دارویی و مورد تقاضای ثبت اختراع طریقه تهیه مواد و ترکیبات دارویی جدید جهت استفاده دهانی منصرف از مقررات ماده موصوف است مضافاً اینکه شرکت خواهان تبعه کشور سوئد در تاریخ ۱۹۹۳/۱/۷ میلادی به شماره ۲۴۴۳۸۰ مطابق قوانین محل برای مدت ۱۹ سال و ۴ ماه و ۲۱ روز تحصیل ورقه اختراع کرده و برای بقیه مدت طبق ماده ۳۰ قانون ثبت علائم و اختراعات در ایران نیز تقاضای ورقه اختراع نموده است لذا با رد تجدید نظر خواهی دادنامه مورد تقاضای تجدید نظر نتیجتاً ابرام می‌گردد.

۲- طبق پرونده شماره ۳-۸۷۵۳/۱۵ مطروحه در شعبه سوم دیوان عالی کشور آقای سیروس پویان به وکالت از طرف شرکت لابراتور برامکس در تاریخ ۷۲/۷/۲ دادخواستی بطرفیت اداره مالکیت صنعتی بر

الزام خواننده به ثبت اختراع ترکیبات جدید دارویی براساس مشتقات نوموسترول و طریقه تهیه و بدست آوردن آنها، تقدیم دادگاههای حقوقی یک تهران می نماید پرونده در شعبه اول دادگاه حقوقی یک تهران مطرح، دادگاه پس از رسیدگی و کسب نظر کارشناس برابر دادنامه شماره ۱۲۴۰-۷۲/۱۱/۳۰ به همان جهات و مبانی مندرج در دادنامه شماره ۱۲۳۷-۷۲/۱۱/۲۸ حکم بر ابطال تصمیم اداره خواننده در خصوص رد تقاضای اختراع و الزام اداره خواننده به پذیرش ادعا و صدور ورقه اختراع صادر می نماید اداره مالکیت صنعتی از این حکم نیز تجدید نظر خواهی به عمل می آورد پرونده در شعبه سوم دیوان عالی کشور مطرح و شعبه مزبور به شرح دادنامه شماره ۳/۹۵-۷۵/۳/۳۱ چنین رأی داده است: «اعتراض تجدید نظر خواه نسبت به دادنامه شماره ۱۲۴۰ مورخ ۷۲/۱۱/۳۰ صادره از شعبه اول دادگاه حقوقی یک تهران وارد است زیرا:

اولاً به موجب بند ۴ ذیل ماده یک قرارداد پاریس که دولت ایران به موجب ماده واحده قانون مصوب اسفند ماه ۱۳۳۷ به آن ملحق گردیده منظور از ورقه اختراع، انواع مختلف از ورقه های اختراع صنعتی است که قوانین کشورهای اتحادیه آن را شناخته باشند وفق بند ۳ ماده ۴ قرارداد پاریس تسلیم هر درخواستی که به موجب قانون داخلی هر کشور عضو اتحادیه یا به موجب عهد نامه های دو جانبه یا چند جانبه منعقد بین کشورهای اتحادیه معتبر شناخته شده باشد موجد حق تقدم می گردد بنابراین به موجب قرارداد پاریس هم در مورد اختراعات اظهار نامه ها و درخواست هایی معتبر شناخته شده که قوانین کشورهای اتحادیه اعتبار آن را به موجب قوانین کشوری شناخته باشند. از طرفی طبق بند ۳ ماده ۲۸ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ برای فرمولها

و ترتیبات دارویی نمی توان تقاضای ثبت اختراع نمود و به دلالت اوراق پرونده آنچه که به عنوان اختراع مورد حقوق درخواست ثبت از طرف شرکت خواهان قرار گرفته اختراع راجع به طرز تهیه ترکیبات دارویی است که ثبت آن به عنوان اختراع با منع قانونی موضح در بند ۳ ماده ۲۸ قانون ثبت علائم و اختراعات مواجه است.

ثانیاً: دادگاه به شرح تصمیم مورخ ۷۲/۱۰/۹ به دو منظور قرار ارجاع امر به کارشناس صادر نموده اول اینکه کارشناس رویه اداره ثبت علائم و اختراعات رادر برخورد با این قبیل تقاضاها که راجع است به ثبت فرمولها و ترکیبات دارویی به عنوان اختراع بررسی و اظهار نظر نماید در ثانی اظهار نظر نماید چه در قدیم و چه بعد از انقلاب فرقی بین ترتیبات دوائی و ترکیبات دارویی قائل بوده اند یا خیر و عملاً اختراع مزبور را به ثبت رسانده اند یا نه؟ که اقدام دادگاه در زمینه ایکال توضیح این مسائل به نظریه کارشناس صحیح و قانونی نمی باشد زیرا تشخیص مراد قانونگذار از ظاهر عبارات به کار برده شده در متن قانونی امری قضایی محض است و بر دادرس دادگاه است که با بررسی ظاهر الفاظ بکار برده شده در متن قانون و در نظر گرفتن مفاهیم عرفی الفاظ و تفسیر قضایی در حدی که اصل هفتاد و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تجویز کرده است مقصود و مراد قانونگذار را تشخیص دهد و این معنی محتاج الیه جلب نظر کارشناس نیست و فرضاً هم اداره ثبت علائم و اختراعات قبلاً تقاضایی این چنین را پذیرفته باشد این سابقه با وصف نص مذکور در بند ۳ ماده ۲۸ قانون ثبت علائم و اختراعات برای خواهان اثبات حقی را نمی کند و فضلاً بر مراتب آنکه نظر کارشناس در این قسمت که کلمه ترتیب غیر از ترکیب است از آنجا که در نید ۳ ماده ۲۸

- در موردی که بهر حال پرونده معلوم است اگر پرونده نماید و خواننده ای که با سرعت سنج و مسطمانه در حرکت بوده و وسیله نقلیه نیز از قبیل فنی گذاشته باشد و در همین حال قادر به کنترل نباشد و سایر بر خورد نموده سنجیده شود و با محدود شدن وی گردد خواننده ضمانت دهنه و خسارت وارده نیست. (ماده ۶۴۱ ق.م.ا)
- تعیین مقدار میریه ملوط به تقاضی طرفین است. (ماده ۶۸۰ قانون مدنی)
- هر کس شماره خانه دایر کند یا مردم را برای شمار به آنجا دعوت نماید به ۶ ماه ۲۱۲ سال حبس و یا از ۳ میلیون تا ۱۲ میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود. (ماده ۷۰۸ ق.م.ا)
- هر نظامی که عملاً نشان شاهنشاهی شاهنشاهی و درجات و نایبیه رسمی نظامی داخلی یا خارجی را بدون تغییر و تکثیر جزئی که موجب اشتباه شود بدون مجوز یا بدون حق استفاده نماید به حبس از ۱ ماه تا دو سال محکوم می شود. (ماده ۹۵ ق.م.ج.م.ا)
- هر کس شخصاً یا توسط دیگری برای مسافرت شود یا شخص دیگری از خدمت دولت یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به دانشگاه گواهی پزشکی به اسم طبیب جعل کند به حبس از ۶ ماه تا یکسال یا به ۳ تا ۶ میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. (ماده ۵۲۸ ق.م.ا)

قانون ثبت علائم و اختراعات از فرمولها و ترتیبات دوائی گفتگو شده و اگر ترتیبات دوائی را آن چنان که مورد لحوق نظر کارشناس قرار گرفته پذیریم لازم می آید هر داروخانه‌ای بتواند تعدادی دارو را در قفسه‌ای ترتیب دهد و سپس برای مجموع این ترتیبات تقاضای ثبت نماید و قانونگذار هم ثبت این عمل لغو را ممنوع کند.

ثالثاً ماده ۱۳ قانون مربوط به مقررات مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴ که راجع است به عنوان داروهای اختصاصی صرفاً دارویی را تحت این عنوان پذیرفته که با فرمول و اسم ثابت با علامت مخصوص صنعتی مشخصی به نام ابداع کننده ثبت شده باشد که در این مورد ماده یک طرح آیین نامه نصب و ثبت اجباری علائم صنعتی مصوب ۱۳۲۸ هم تأکید نموده تمام اجناس دارویی و طبی و... اعم از این که در داخله ایران ساخته یا در خارج ساخته شده باشد در بازار تحت اسم مشخصی که بر روی برجسب آن زده می شود به معرض فروش قرار گیرد باید دارای علامت صنعتی یا تجارتنی ثبت شده بوده باشد... بنا به مراتب و با عنایت به اینکه به موجب بخشنامه شماره ۱۹۸۴۸-۱۳۱۷/۱۱/۲۶ وزارت دادگستری به عنوان دواپز و دادگاههای مرکز و شهرستانها کاربرد دوازه دارو را به جای واژه دوا که بنه تصویب فرهنگستان رسیده موکداً توصیه شده است و با توجه به درج کلمه «فرمول» قبل از عبارت (ترتیبات دوائی) مقطوع این است که منظور نظر قانونگذار از فرمولها و ترتیبات دوائی مذکور در بند ۳ ماده ۲۸ قانون اشعاری همان فرمولها و ترکیبات دارویی است که ثبت آن به عنوان اختراع ممنوع اعلام گردیده است و باین وصف دادنامه تجدیدنظر خواسته که خلاف موازین قانونی فوق الاشعار صدور

یافته به استناد ماده ۶ قانون تجدید نظر آراء دادگاهها نقض می شود ...

همانطور که ملاحظه می فرمایید شعب اول و سوم دیوان عالی کشور نسبت به موارد مشابه یعنی در مورد ثبت فرمول و ترکیب دارویی به عنوان اختراع و مقررات بند ۳ ماده ۲۸ قانون مذکور رویه های مختلف اتخاذ نموده اند لذا به استناد ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ طرح آن در هیأت عمومی دیوان عالی کشور جهت اتخاذ رویه واحد قضایی مورد استدعا است.

#### معاون اول قضایی دیوان عالی کشور

حسینعلی نیری

به تاریخ روز سه شنبه ۱۳۷۶/۱/۱۹ جلسه وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت ایتاله محمد محمدی گیلانی رئیس دیوان عالی کشور و با حضور آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران شعب کیفری و حقوقی دیوان عالی کشور تشکیل گردید:

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور مبنی بر «نظر به اینکه آنچه در بند ۳ ماده ۲۸ قانون ثبت علائم و اختراعات، ثبت آن منع گردیده، فرمولها و ترتیبات دارویی است، نه ترکیبات دارویی و ماده ۲۷ قانون مزبور ثبت مواردی، از جمله ابداع محصول صنعتی جدید یا کشف هر وسیله جدید یا اعمال و وسایل موجود به طریق علمی و یا ترکیب دویا چند ماده شیمیایی عنصر جدیدی به دست می آید که با عوامل ترکیبی آن از جهت جنس و خاصیت متفاوت می باشد. مورد نظر قانونگذار نبوده است و از نظر لغوی نیز معنای کلمه ترتیبات با ترکیبات از یکدیگر متمایز است و

قانونگذار آگاهانه در شق ۳ ماده ۲۸ کلمه ترتیبات را به کار برده است بنا به مراتب رأی شعبه اول دیوان عالی کشور، نتیجتاً موجه بوده و معتقد به تأیید آن می باشم. مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رأی داده اند:

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور (شماره: ۶۱۵-۱۳۷۶/۱/۱۹)

ماده ۲۷ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب تیرماه ۱۳۱۰ به طور اطلاق پذیرش تقاضای ثبت «ابداع هر محصول صنعتی جدید و کشف هر وسیله جدید یا اعمال و وسایل موجوده به طریق جدید برای تحصیل یک نتیجه یا محصول» را جهت استفاده از مزایای مقرر در ماده ۲۶ این قانون تجویز نموده که بالتسبیح ناظر به ابداعات و اختراعات و اکتشافات دارویی نیز می باشد. بند ۳ ماده ۲۸ قانون موصوف «فرمولها و ترتیبات دوائی» صرفاً ناظر به مواد و اجزاء تشکیل دهنده هر دارو بوده و منصرف از موارد مذکور در ماده ۲۷ قانون ثبت علائم و اختراعات است.

نظر به اینکه خواسته دعای مطروحه در شعب اول و سوم دیوان عالی کشور ثبت طریقه تهیه مواد و ترکیبات دارویی جدید در حدود مفاد ماده ۲۷ قانون فوق الذکر می باشد بنابراین رأی شعبه اول دیوان عالی کشور که مالا متضمن این معنی است موافق با موازین قانونی تشخیص و با اکثریت قریب به اتفاق آراء تأیید می گردد. این رأی طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.